روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

چهارشنبه ۹ آبان ۱۴۰۳ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۹۲۴۲

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع): ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد.

■ اذان ظهر: ۱۱:۴۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۱۱
■ اذان مغرب: ۱۷:۳۰ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۶
■ اذان صبح فردا: ۵:۰۱ ■ طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۶

حافظ
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

کوچه‌گرد

پرسه‌زنی و حظ تماشای آجرهای رقصان در رخ‌بام

لیلا باقری

قدم‌زنان به کوچه‌ای پیچیده از خیابان سعدی می‌رسم و رخ‌بام خانه‌ای نقلی مانده از اواخر قاجار، چشمم را می‌گیرد و فکر می‌کنم اصلا ایرانی جماعت شاعر و کلمه‌باز به دنیا می‌آید، حتی اگر معمار باشد. شما ببین این معمار ما چه ظریف‌اندیشی بوده که جای وان می‌گفته «آب‌زن»، جای سقف «آسمانه»، جای پاسیو «نورخان» و همین رخ‌بام که دلبری می‌کند؛ لبه تزئینی پشت بام بنا که ترکیبی از «رخ» به‌معنای رخساره و چهره و «بام» است.

غور در اصطلاحات جذاب را با تماشای انواع رخ‌بام‌های به‌جا مانده در همان کوچه ادامه می‌دهم... می‌گردم دنبال هِرّه‌ای سراسری روی بام بناها که آخرین ابزار فوقانی قَرنیز را تشکیل می‌دهد و دیگر هیچ رخ‌بامی از نظرم دور نمی‌ماند. اگر این اصطلاح قبلا به گوش‌تان نخورده حتما این رقص آجرها در انتهای دیوار و ظرافت بنای خوش‌ذوق را دیده‌اید که رج آخر را زود نزده تا تمام شود و گِل از سر و روی بشوید... که در زدن رج آخر هر بنایی، یک جور بازی کرده با خشت و توی تن دیوار رقصانده‌اش و شده تاجی چشم‌نواز روی سر بنا. اما جدای این زیبایی، کارکردش این بوده که محافظی باشد بین ساختمان و بام تا در امان بماند از گزندِ نم و رطوبت بارش و گردوغبار و حتی مدفوع پرنده‌ها. جالب اینکه می‌شده آجرچینی ساده‌ای باشد اما حواس معمار به چشم رهگذر بوده که در هر جزء زیبایی ببیند، آن‌هم متنوع که تکرار، چشم را خسته می‌کند و دل را می‌زند.

در یک کوچه ندیدم رخ‌بامی که تکراری باشد. جدای از اینکه اصلا در شهرهای مختلف به‌دلیل نوع اقلیم، شکل‌ها و مصالح و اسم‌های جوروواجوری هم دارد؛ مثلا شیرسر در اصفهان، شرفی در یزد، شرفه در تبریز، هره در مناطق خشک، کله‌شیری در گیلان و مازندران یا دامنه برای مناطق کوهستانی و پرباران! این بار که در کوچه‌های قدیمی گشتید به این رج آخر نگاه کنید، شاید شما هم «گُرده‌ماهی» را دیدید، آنجا که آخرین جداره نما و قسمتی از بام را به شکل گرده‌ماهی یعنی منحنی، شکل داده‌اند تا علاوه بر کاهش فرسایش رخ‌بام، به خروج آب، نظم و نسق بدهد. یا «دندانه موشی» که یک لایه آجر رگی رخ‌بامی به‌کار بردند، یعنی همان آجرهای مستطیل شکلی که پهنای آن در نما دیده می‌شود. این لایه آجر در برخی موارد به تنهایی و ساده، گاهی به‌صورت آجرهای مُهری و در بعضی بناها به همراه لایه‌ای از کاشی به‌کار رفته است. این کاشی‌ها معمولا جوری قالب زده شده‌اند که در نما به شکل دندانه موشی دیده می‌شوند و در مواردی که آجر مُهری به‌کار رفته، حالت دندانه موشی تنها به‌صورت نقشی روی آجر به چشم می‌خورد. خلاصه که معمارِ شاعر ما در گذشته اول از همه چقدر حواسش بوده این بنایی را که ساخته با فنی، برای سال‌ها سرپا نگه دارد و این فن را هم ساده اجرا نکرده است، وقت گذاشته تا زیبا و چشم‌نواز شود.

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

عکس خانه

پارک ممنوع!

تهران است و معضل جای پارکش. قطعا بسیاری از کسانی که با خودروی شخصی در پایتخت تردد می‌کنند، می‌دانند که در ساعاتی از روز به هیچ عنوان نمی‌شود در خیابان‌های شلوغ جای پارک پیدا کرد. به همین دلیل است که عده‌ای در کوچه‌پس‌کوچه‌ها می‌گردند تا جای پارک پیدا کنند. در این بین هم برخی بی‌اهمیت به هشدارهایی مثل «پارک ممنوع» یا «لطفا در این مکان پارک نکنید» اتفاقا در همان مکان پارک می‌کنند! بعد هم یا دعوا می‌شود یا لاستیک ماشین‌شان پنچر می‌شود یا اینکه صاحب‌خانه‌ای که جلوی در پارکینگش پارک کرده‌اند، دچار دردسر می‌شود؛ خلاصه، نکنید از این کارها.

قلب همیشه بیدار تهران

عکس‌های تاریخی و کمتر دیده‌شده از بازار تهران که با گذشت زمان جوان‌تر و زنده‌تر می‌شود

فاطمه عباسی

راهروهای پیچ‌در‌پیچ، طاق‌های ضربی، هواکش‌های سنتی، حجره‌های قدیمی و ازدحام آدم‌ها. اینجا بازمانده تاریخ چند صدساله تهران است؛ قلب تپنده تجاری و مرکز بزرگ دادوستد در پایتخت که آهنگ فعالیت تمام بازارهای ایران با آن کوک می‌شود.

بازار بزرگ تهران در گذشته فقط یک مرکز تجاری نبوده و کارکردی چندگانه حتی در آیین‌های مذهبی و آموزش داشته است. امروزه اما می‌توانید ابزارها و ادوات و مایحتاج زندگی را از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در بازار پیدا کنید. با اینکه بخش عمده‌ای از خریدهای جزئی مردم به پاساژها و مغازه‌های سطح شهر منتقل شده، اما نبض اصلی تأمین کالاهای عمده و اساسی پایتخت و خریدهای جزئی، خصوصا آخر هفته‌ها و خریدهای شب عید در بازار تهران می‌زند.

این بازار دارای قسمت‌های مختلفی همچون تیمچه، بازار، راسته، پاساژ، مغازه، مسجد، تکیه و زیرگذر است که از نظر معماری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

تاریخ ساخت بازار تهران به دوران قاجار برمی‌گردد، گرچه در مورد زمان دقیق ساخت آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی ناصرالدین‌شاه را مؤسس بازار تهران می‌دانند و عده‌ای نیز تأسیس آن را در زمان شاه طهماسب صفوی می‌دانند. به نظر می‌رسد که بازار تهران در دوران صفویه روباز بوده و سپس در زمان ناصرالدین‌شاه مسقف شده است. به‌علاوه بازار بین‌الحرمین در دوره محمدشاه قاجار و بازار کفاش‌ها و سرای امیر نیز در دوره ناصرالدین‌شاه بنا شده است. جالب است بدانید که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بود که قسمت‌هایی از بازار ساخته شد و کل مجموعه بازار گسترش پیدا کرد، به گونه‌ای که به سمت ارگ و مسجد جامع هم کشیده شد و فاصله بین این دو مکان به پررونق‌ترین و معروف‌ترین بخش‌های بازار بزرگ تبدیل شد. به تازگی نیز عکسی قدیمی از بازار تهران و ورودی بازار کفاش‌ها در دهه ۱۳۴۰ در فضای مجازی پربازدید شده است. به همین انگیزه سراغ عکس‌های بازار بزرگ، از گذشته تا امروز رفته‌ایم که دیدنشان خالی از لطف نیست.

بازارگردی یک‌روزه

بازارگردی گشت‌وگذاری یک‌روزه است که هر گردشگری می‌تواند از طریق آن با تهران قدیم، کسب‌وکارهای به‌جای‌مانده و حجره‌های بازاری‌ها در راسته‌ها و دالان‌ها آشنا شود از بناها و تیمچه‌ها و مساجد عکاسی کند، غذاهای سنتی بازار را بخورد و سوغاتی بخرد. البته بستگی دارد گردشگر ما اهل خرید باشد یا گردش. به هر حال رفتن به دل بازار قدیم تهران برای گردشی یک‌روزه هم فال است و هم تماشا.

تهرانی‌ها، حتی در دوره قاجار هم در بازار سراغ میوه می‌رفته‌اند

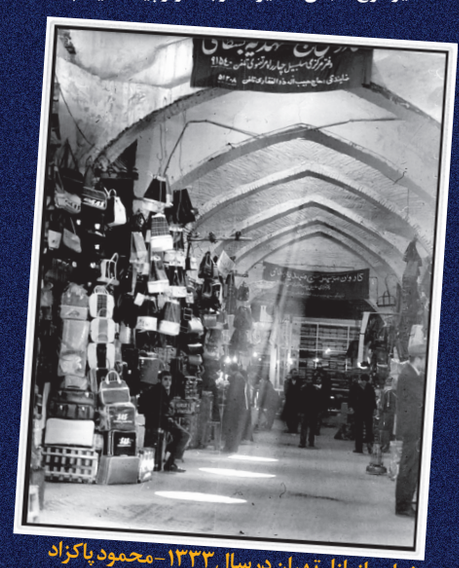

نمایی از بازار تهران در سال ۱۳۳۳ - محمود پاکزاد

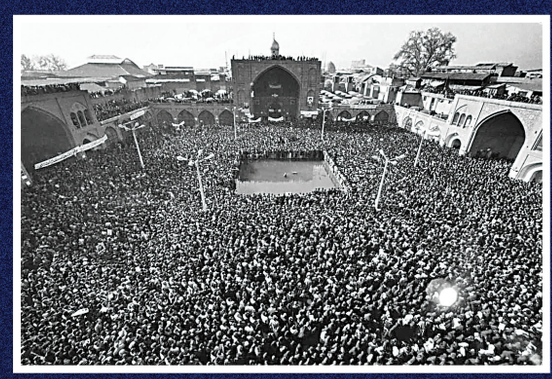

این عکس از سال ۱۳۵۷ در مسجد بازار متعلق به روزهای پرالتهاب آستانه انقلاب است.

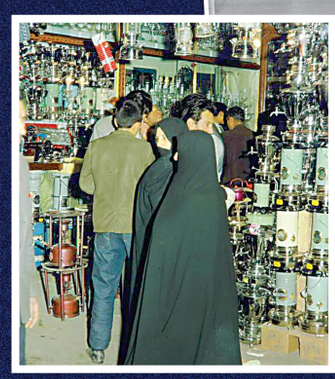

عکسی از خرید دو خانم در سال ۱۳۴۶

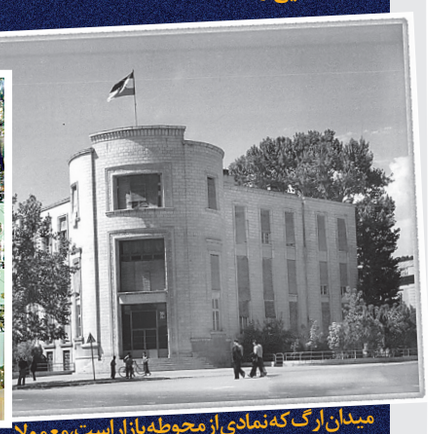

میدان ارگ که نمادی از محوطه بازار است، معمولا شلوغ است، اینجا مادر این عکس که محمود پاکزاد در سال ۱۳۴۱ گرفته به‌صورت عجیبی خلوت است

بازار در انتهای دهه ۹۰، روزهایی که کرونا همچنان در تهران مردم را می‌ترساند؛ امیر پناهپور / همشهری

عکسی از بازار در اوایل دهه ۷۰؛ مسعود خامسی‌پور / همشهری

یک روز معمولی در بازار تهران در دهه ۸۰ شمسی؛ عکس: محسن گیتی نورد / همشهری

یادداشت

تصمیم با توست

حامد فوقانی

اگر همین حالا به شما بگویند که با این برنامه‌ریزی و با این تلاش تان، در رقابتی سنگین و مهم، جزو ۱۰ نفر اول هستید و مثلا جایزه یا پاداشی که روزگاری حتی تصورش را نمی‌کردید در جیب شماست، چه حسی خواهید داشت؟ غرور و خوشحالی زائدالوصف توأم با فکرهایی که از این به بعد با آن پاداش چه کار خواهید کرد و شاید روند زندگی‌تان تغییر کند. حالا فرض کنید که نتایج رقابت‌ها که مشخص شد، با اختلاف اندکی نفر دوم شوید. ۲ حالت بیشتر ندارد؛ یا داوری‌ها عادلانه بوده که تکلیف مشخص است یا شما بر این نظرید که پای بی‌عدالتی وسط بوده؛ چه به درست و چه به غلط. اما در هر کدام از این ۲ حالت، اینکه چه تصمیمی بگیرید بسیار مهم است. می‌توانید مثل وینیسیوس جونیور، بازیکن برزیلی رئال مادرید، وقتی در آخرین لحظات متوجه شدید که برنده نهایی توپ طلا نیستید، به مراسم اهدای جایزه نروید تا به نوعی اعتراض خود را نشان دهید. می‌توانید هم مثل لیونل مسی باشید که بارها با اینکه می‌دانسته توپ طلا را در آغوش نمی‌گیرد اما در مراسم به‌عنوان یک نامزد اصلی شرکت می‌کرد تا پیام‌های فراوانی را بدون کلام فریاد بکشد. مسی با این رفتار اعلام می‌کرده که شاید در رقابت، همیشه نخست نباشی اما مهم این است که نشان دهی، هستی و از دوم‌شدن نه خجالت کشیده‌ای و نه عصبانی شده‌ای؛ بلکه با احترام به رقیب، تلاش را ادامه می‌دهی تا سال بعد و دورهای بعدی این تو باشی که لقب اولی را به‌خودت اختصاص می‌دهی. در رقابت می‌توانی مثل وینیسوس باشی و ضمن واکنش تحقیرآمیز بعد از اعلام نتایج، آنقدر قوی باشی که بگویی «لازم باشد ۱۰ برابر تلاش خواهم کرد. آنها انتظار و آمادگی دیدن چنین تلاشی از من را ندارند.» یا می‌توانی مثل فابیو کاناوارو، مدافع تیم فوتبال ایتالیا در بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۰، وقتی توپ طلا را به‌دست می‌آوری، آنقدر در غرور غرق شوی که سال بعد چند گل وارد دروازه خودی کنی. در رقابت زندگی، تصمیم با توست؛ می‌توانی برای اول شدن برنامه‌ریزی کنی، می‌توانی اگر اول نشدی، بیشتر تلاش کنی، یا اصلا هیچ‌گاه برای قرار گرفتن جزو برترین‌ها برنامه‌ای نداشته باشی یا اینکه تلاش کنی و از اینکه روند رو به رشدی را - فارغ از اینکه در چه رتبه‌ای قرار می‌گیری - طی می‌کنی، خوشحال باشی.

گرینویچ

آکواریوم اتحاد

مدتی است وجود یک آکواریوم تصادفی در محله بروکلین، یکی از قدیمی‌ترین مناطق شهر نیویورک، خبرساز شده است. ماجرا از نشت شیر آتش‌نشانی در این خیابان آغاز شد که ابتدا اهالی، این موضوع را به مسئولان محلی گزارش دادند، اما کسی به آن توجه نکرد. البته چون اطراف این شیرآب، بلوک‌های سیمانی قرار داشت، آب‌ها قطره قطره جمع و به مرور، برکه‌ای کوچک و زیبا ایجاد شد.

گروهی از اهالی خوش‌ذوق هم این برکه کوچک را با سنگ‌های رنگی و دیگر وسایل آکواریوم، تزئین کردند و تعدادی ماهی قرمز هم در آن آکواریوم خودجوش ریختند و خلاصه آنجا را به یکی از جاذبه‌های گردشگری محلشان تبدیل کردند.

اداره حفاظت از محیط‌زیست، البته به‌خاطر به خطر افتادن ایمنی شهروندان، با این آبگیر مخالف بود و اداره آتش‌نشانی را موظف کرد هر چه زودتر نشتی شیر آب آتش‌نشانی را بر طرف کند. اما چون اهالی به این آکواریوم محلی عادت کرده بودند، بعد از تعمیر نشتی شیر آب هم دوباره و به شکل دستی، آکواریومشان را راه‌اندازی کردند؛ چون معتقد بودند این جاذبه محلی، هم رابطه عاطفی و اتحاد بین اهالی را افزایش داده و هم گردشگرانی را جذب خود کرده است.

این آکواریوم که حالا در شبکه‌های اجتماعی به آکواریوم دوستی معروف شده، حتی شب‌ها هم طرفداران خوش را دارد. زیرا اهالی دور آن می‌نشینند و از تماشای آن لذت می‌برند. البته اهالی این روزها نگران آمدن فصل زمستان و سرما و یخ‌زدگی آب هم هستند که باید برای آن فکری کنند.

حالا مشخص نیست درگیری و اختلاف نظر مسئولان محیط‌زیست و اهالی محل بر سر آکواریوم دوستی، به نفع کدام گروه به پایان خواهد رسید.